

مغی ز شهبوت افزون کند	ز مهل منی زود بیرون کند	بود هفدهم روز در کوشش حبت	بزرگ بوسه نرم بر کوشش حبت
بهزماه نزد حبت یل فرس	چشمست ز اینک توان کرد برین	بود نوزده روز از ماه ششم	بخش حبت بوسه نرم از مبدع
بود اولین روز در بای راست	سخن ما توانی ز شهبوت خطاست	بود بیستمین روز در بغل فوق	بخار از لبش تا بیاید تو ذوق
دوم روز بر بای بای هسین	سیوم بس بران منش یاری کن	بود بیست یک روز بخمر ماه دور	بدان سوی حبت ز بر کام از نشو
چهارم روز لبش بدان بالذات	به پنجم بود شهبوت او بیضا	چهارم روز ایشاد و نشهوه	سوی حبت بود در بغل بالذات
ششم روز باشد بر لبش راست	به هفتم نهفته بصد رن است	بود بیست سیوم بصد رن است	نموده شهبوتش با خطا
بود بیست و نهم ماه اندر بغل	و اجانب راست دارد محل	بود بیست چهارم بر لبش است	ببر بوسه نرم ناخن بی ادب
بیان نهم روز در زیر کام	دهم در لب بر دارد مقام	بود بیست پنجم بنای زبان	بنافش زین ناخن ای کامران
ده و یکم بخش راه راست او	ده و دو چشم بین فتنه جو	رود بیست شش روز از ماه	بفرجش بران برود در بران
بود سیزده روز از ماه جون	بیانی نو در کوشش است از در	بود بیست هفتم جو در ران حبت	بزرگ ناخن بوسه از هر دو لب
بود چهارده روز چون تم و شهر	از وجانب است سر کیم بهر	بود بیست هشتم چنانچ ماه	سوی قهای چپش نهست راه
بود پانزده روز از ماه کسر	بیانی منی جانب حبت کسر	شود بیست نوزده روز از ماه	بامسوح بای حبت او بر آه
بود شانزده روز چون ز ماه	بیانی بهر عضو اشک کام حوا	چونارنج سیوم همه رخ نمود	به ششم عضو او از تو مسته فزود

بود